

به نمایندگان کنگره ششم حزب
سمینار در جوار کنگره

رفقای که خواهان برگزاری سمینار در جوار کنگره هستند لطفا تا ۱۰ اکتبر درخواست خود را همراه تم سمینار برای ما بفرستند. توجه داشته باشید که ما اولاً فقط یک شب (شنبه ۱۳) امکان برگزاری سمینار را داریم.

در صورت تعدد سمینارها هیئت رئیسه کنگره تصمیم خواهد گرفت کدام سمینارها برگزار خواهد شد.

با تشکر
آذر مدرسی

نشریه ویژه تدارک کنگره ششم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

قطعه نامه اوضاع سیاسی ایران

پیشنهاد دهنده: کمیته مرکزی (ثریا شهابی، آذر مدرسی، اسد گلچینی، امان کفا، محمد فتاحی، اعظم کم گویان، سهند حسینی، آسو فتوحی و خالد حاج محمدی)

مقدمه:

شرایط سیاسی در ایران، همچون شرایط سیاسی هر جامعه ای در جهان، مستقل و منزوی از شرایط و اوضاع جهانی نیست. این واقعیت امروز در مورد ایران که شکاف حکومت آن با دول غربی و تعیین تکلیف این شکاف به یکی از گرگهای سیاسی - نظامی جهان تبدیل شده است، بیش از پیش صادق است.

جهان معاصر، امروز تماماً صحنه تخاصمات و رقابت قطب های مختلف قدرت های اقتصادی و نظامی جهان است، بر سر تقسیم مجدد جهان. ریشه تحرکات و تقابلهای امپریالیستی که در خاورمیانه و ایران هر روز از گوشه ای سربرمیآورد، نه ایران و خاورمیانه که در غرب و موقعیت "بی نظم" صفحه ۲

موقعیت طبقه کارگر و وظایف کمونیست ها

ارائه دهنده: بهرام مدرسی حمایت کنندگان: اعظم کم گویان، آرش حسینی

صفحه ۴

قطعه نامه

اوضاع سیاسی ایران، "رئوس یک سیاست کمونیستی - کارگری"

ارائه دهنده: مظفر محمدی

صفحه ۶

قرار شماره ۴

در حمایت از سازماندهندگان و رهبران عملی کارگری

صفحه ۳

معرف قرار و قطعه نامه های

کنگره ششم حزب حکمتیست

۱- قطعه نامه اوضاع سیاسی ایران (ثریا شهابی)

۲- قطعه نامه اوضاع سیاسی ایران، "رئوس یک سیاست کمونیستی - کارگری" (مظفر محمدی)

۳- قطعه نامه حزب حکمتیست در باره: ملزومات پیشروی در اتحاد و تشکل یابی کارگران (اسد گلچینی)

۴- قطعه نامه موقعیت طبقه کارگر و وظایف کمونیست ها (بهرام مدرسی)

۵- قرار شماره ۱ در مورد: ضرورت تشدید فعالیت در تقابل با طرح های ارتجاعی برای جایگزینی جمهوری اسلامی (خالد حاج محمدی)

۶- قرار شماره ۲: ضرورت تشدید مبارزه علیه ناسیونالیسم و قومی گرایی (خالد حاج محمدی)

۷- قرار شماره ۳: در مورد تحریم های اقتصادی علیه ایران (امان کفا)

۸- قرار شماره ۴: در حمایت از سازماندهندگان و رهبران عملی کارگری (محمد فتاحی)

۹- قرار شماره ۵: در باره "جنبش کمیته های کمونیستی" (اسد گلچینی)

۱۰- قرار شماره ۶ در مورد: تأیید کنگره فوق العاد، کنگره پنجم حزب حکمتیست (آسو فتوحی)

۱۱- قرار شماره ۷ در مورد: ایجاد کمیته مالی در حزب (آسو فتوحی)

قرار شماره ۵

در باره "جنبش کمیته های کمونیستی"

صفحه ۵

قرار شماره ۶ در مورد

تأیید کنگره فوق العاد، کنگره پنجم حزب حکمتیست

صفحه ۹

قرار شماره ۷ در مورد

ایجاد کمیته مالی در حزب

صفحه ۹

فرم الف و ب

ویژه ثبت نام در کنگره ششم

حزب حکمتیست

صفحه ۱۰

اسناد پیشنهادی خود را به آدرس زیر بفرستید:

hekmatistcong6@gmail.com

قطعه‌نامه اوضاع سیاسی ایران

در خود کمپ سرمایه نهفته است. سیاست "نظم نوین جهانی" میلناریستی - امپریالیستی، که در آن تمام قدرت های بزرگ و کوچک بورژوازی در سراسر جهان، از شرق تا غرب، به سرکردگی مطلق نظامی و سیاسی دولت آمریکا تن داده بودند، با به خون کشیدن بخشی از جهان در دو دهه گذشته، نتوانست توازن و ثباتی نسبی در صف بورژوازی جهانی، را بوجود آورد.

عقیم ماندن سیاست "نظم نوین جهانی" به سرکردگی امریکا، قطب ها و قدرت های اقتصادی و ارتجاعی دیگر در سراسر جهان، برای شرکت در "مدیریت سیاسی - نظامی جهان" را، در شرق و غرب، به میدان آورد. و جهان بیش از پیش صحنه رقابت های سیاسی - نظامی، بین قدرت های اقتصادی - نظامی بورژوازی جهانی، شد.

"ناکامی" سیاست سوپر ارتجاعی نظم نوین جهانی، تعمیق بحران اقتصادی در خود غرب، و تعرض این دولتها به معیشت طبقه کارگر و مردم، طبقه کارگر و مردم در غرب را در مقابل دولتهای خود، به میدان آورد. طبقه کارگر و مردم در غرب پوسته سازش و "مدارا" با دولتهای خودی را شکسته و از فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، یونان، انگلستان، اسرائیل و ... با اعتصابات و اجتماعات اعتراضی علیه سیاست های ریاضت اقتصادی و تعرض به معیشت شان، دولت های خود را "زیر منگنه" گذاشته اند.

شروع تحولات انقلابی در کشورهای عربی، با انقلابات تونس و مصر، بار دیگر نسیم تعرض به دولتها و قدرت های حاکم توسط عمل مستقیم و انقلابی مردم، در سراسر جهان را پخش کرده بود. این انقلابات بار دیگر جهانی را از اروپا تا آفریقا، به انقلاب و قدرت مردم امیدوار میکرد. تحولاتی که در غیاب حضور قدرتمند و متشکل طبقه کارگری که بتواند بسرعت با حزب سیاسی خود انقلاب را در این دو کشور به سرانجام برساند و برای سایر کشورها، الگویی از پیروزی بدست دهد، توسط دخالت میلناریستی ناتو در لیبی بسرعت قیچی شد. و بار دیگر خاورمیانه، و از جمله ایران، را به میدان جدال انواع جریانات ارتجاعی بین المللی و بومی تبدیل کرد.

در این شرایط بار دیگر ایران صحنه و میدان تقابل قدرتهای امپریالیستی، شده است. دامن زدن به تقابل باندهای مسلح اوباش قومی و مذهبی از یکطرف و تعرض ارتجاع حاکم به بهانه "جنگ با خارجی" از طرف دیگر، و جنگ اقتصادی هولناکی که تحریم اقتصادی ایران علیه مردم براه انداخته است، خصلت نمای اوضاع سیاسی امروز ایران است.

با توجه به فاکتورهای فوق:

۱- تعمیق شکاف و تخاصم غرب و جمهوری اسلامی، تحریم اقتصادی ایران به بهانه "مسئله اتمی ایران"، زنده نگاه داشتن سایه خطر مخوف جنگ و حمله نظامی، پروپاگاندا نظامی - میلناریستی غرب و اسرائیل علیه ایران، همه و همه جدال روزمره مردم و طبقه کارگر، زنان و جوانان، علیه جمهوری اسلامی ایران را تماما به حاشیه فعل و انفعالات سیاسی در ایران رانده است، و موقعیت تدافعی را به طبقه کارگر، تحمیل کرده است.

۲- از این شرایط، بیش از هر جنبشی، ارتجاع اسلامی، باندهای قومی، ملی و مذهبی و بورژوازی حاکم در ایران، سود میبرد. بهانه جنگ با دشمن خارجی، براترین وسیله در خدمت جمهوری اسلامی برای خفه کردن هر صدای معترضی است. تعرض وسیع سرمایه به سطح معیشت طبقه کارگر و آفتاب پابین جامعه، اشاعه وسیع میهن پرستی و تبلیغات ناسیونالیستی همراه با تعرض به فعالین اجتماعی، زنان، رهبران کارگری، تشکل های کارگری، تنها و تنها بر متن چنین شرایطی و با استفاده از این شکاف، امکان اجرا یافته است.

۳- تحریم اقتصادی، رسماً یک جنگ اقتصادی علیه طبقه کارگر، حقوق بگیران و اکثریت مردم ایران، جنگی خاموش در ردیف جنگ کور و هشت ساله ایران و عراق، است. این تعرض از جنس ده سال تحریم اقتصادی عراق و قربانی کردن تدریجی میلیونها نفر از کودکان، سالخوردهگان و آفتاب تهدیدست جامعه، بر اثر کمبود آب آشامیدنی سالم، کمبود دارو و شیرخشک کودکان است.

امروز بیش از هر زمانی معاش و مسکن و دارو و بهداشت مردم در ایران، تماما در اختیار بازار و سودآوری آن قرار گرفته است. بسته شدن مراکز مهم و بزرگ صنعتی، موجب پیوستن وسیع طبقه کارگر صنعتی به صف بیکاران شده است و بیکاری وسیع بخشی از طبقه کارگر که از حداقل تامین شغلی برخوردار بود را به همراه داشته است. این شرایط بعلاوه طیف وسیع و میلیونی از مردمی که از تامین شغلی و مالی نسبی برخوردار بودند، را به صف فروشندهگان جدید نیروی کار، به ارتش بیکاران، و بخش محروم و فقیر و بی تامین جامعه، پرتاب میکند.

۴- در دل این شرایط بخش اعظم اپوزیسیون، بر روی دخالت ناتو، سرمایه گذاری کرده است و تلاش و مسابقه برای تبدیل شدن به آلترناتیو و اهرم و مهره اجرای سناریوی سوریه و لیبی در ایران، مهمترین پلاتفرم سیاسی این دوره آن را تشکیل میدهد. اپوزیسیونی که استیصال و بی اقبی، آن را عملاً به پیوستن به کمپ ارتجاع کشانده است.

۵- این شرایط یکی از نامناسب ترین موقعیت ها را به زیان طبقه کارگر و پیشروی کمونیسم این طبقه، تحمیل کرده است. دامن زدن به هویت قومی، نفرت قومی، فدرالیسم قومی از یکطرف، ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی از طرف دیگر، بر متن فشرده تر کردن حصار تحریم و جنگ اقتصادی و تبلیغات میلناریستی، تنگ تر شدن فضای اعتراض علنی و متشکل طبقه کارگر و جنبشهای مترقی اعتراضی، و "برکتی" که به این ترتیب در دامان جمهوری اسلامی برای سرکوب مردم افتاده است، همه و همه موانع پیشروی کمونیسم طبقه کارگر در ایران است.

برای خروج از وضعیت بحرانی حاضر، در مقابل مردم و طبقه کارگر، افق های مختلف، توسط گرایشهای اصلی غیرکارگری زیر، شکل گرفته است. افقهایی که اساساً بر کشاندن مردم ایران به استیصال، فقر، شورش کور گرسنگان، و به تسلیم کشاندن آنها بر متن گرانی سرسام آور و تحریم اقتصادی و پروپاگاندا نظامی، متکی اند.

در حمایت از سازماندهندگان و رهبران عملی کارگری

پیشنهاد دهنده: کمیته مرکزی (محمد فتاحی، ثریا شهبابی، آذر مدرسی-اسد گلچینی، سهند حسینی، آسو فتوحی، اعظم کم گویان، امان کفا و خالد حاج محمدی)

عروج طیفی از سازماندهندگان و رهبران کارگری در ایران و در صحنه مبارزه علنی و قانونی طبقه کارگر، علاوه بر تعرض دستگاه پلیسی و تهدیدات انتظامات و حراست، طیفی از شخصیت ها و جریانات "کارگر دوست" پوشالی، سکتاریست، بی مسئولیت و فارغ از سطح متوسطی از تعقل را هم علیه آنها به تحرک درآورده است. اینها هر روز به بهانه ای، و از جمله "اختلاف نظر" بر سر شورا و سندیکا، مجمع عمومی، یارانه ها، "سیاسی" کردن مبارزه طبقه کارگر، رسماً آنها را با نام و نشان، مورد تعرض شخصی، مبتذل، و غیرقابل قبول قرار میدهند و گاهی از پرونده سازی سیاسی - امنیتی نیز ابائی ندارند.

حزب حکمتیست با علم به اینکه بحث، دیالوگ، مبارزه سیاسی متمدن با رهبران کارگری و نقد سیاست و سنت مبارزاتی آنها در یک فضای سالم و متین سیاسی، بطور قطع به پیشبرد مبارزه طبقاتی و به بالا بردن توانایی های طبقه کارگر و رهبرانش، کمک میکند. اعلام میکند که همچنان در مقابل عداوت و تعرض شخصی و اتهامات و پرونده سازی های پلیسی- امنیتی نسبت به فعالین و رهبران و سازماندهندگان مبارزات کارگری، مستقل از اینکه این تعرض توسط چه کسی و با کدام ادعای "چپ" و "کارگر دوستی" صورت میگیرد، همچنان می ایستد و دوستان دروغین طبقه کارگر را افشا میکند.

قطعهنامه اوضاع سیاسی ایران

-حفظ جمهوری اسلامی ایران و کمک اقتصادی - نظامی به آن برای شرکت در "مدیریت جهان". در راس این گرایش جناح تندرو جمهوری اسلامی قرار دارد که از شرایط حاضر، از تحریم اقتصادی و پروپاگاندای نظامی اسرائیل و آمریکا، برای دامن زدن به عوامفریبی "ضدامپریالیستی" و "جنگ با دشمن خارجی" و "مستضعف پناهی"، و راه اندازی تبلیغات وسیع ناسیونالیستی و میهن پرستانه، بیشترین استفاده را میکند. این افق با تکیه بر قدرت و دستگاه پلیسی و نظامی و دادگاه و قوانین، از حمایت بخشی از رقبای در صف بورژوازی جهانی، چین و روسیه، برخوردار است و در مقاطعی حمایت بخشی از اپوزیسیون، توده - اکثریت، را نیز همراه دارد. افقی که در مقابل موج اعتراضات نسب به گرانی و بیکاری و نفرت همگانی، اساساً بر ماشین سرکوب و اختناق متکی است.

-اصلاح و به سازش کشاندن جناح حاکم، و خروج از بحران موجود با رسیدن به نقطه سازشی بین دول غربی و جمهوری اسلامی. این افق توسط جریانات اسلامی "اصلاح طلب" و "سبز"، بر متن انشقاق درون حکومت، تلاش میکند که اعتراض و نفرت همگانی از شرایط حاضر را، بعنوان اهرم فشار برای "تغییر" به خدمت گیرد. این افق، حمایت ضمنی دول غربی و "طیف دگر اندیشان"، در مقاطعی حمایت بخشی از اپوزیسیون توده - اکثریت و طرفداران "پادشاهی" و بورژوازی پروغرب را بشکل تاکتیکی، همراه خود دارد. افقی که متکی به ایجاد توهم نسبت به "دمکراسی" بورژوایی، و منتقد "مدیریت بد" دولت و "زیاده رویهای ولی فقیه" است. این گرایش خود قادر به شکل دادن به هیچ آلترناتیو متفاوت تری از جمهوری اسلامی نیست. این افق تنها بعنوان چاشنی در حاشیه گرایشات اصلی تر بورژوایی، برای "حفظ" جمهوری اسلامی و یا "رژیم چینج"، عمل میکند. گرایشی که بی هیچ تردیدی در مقابل افق سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است.

-افق "رژیم چینج"، به کمک ناتو و دول غربی. گرایشی که رسماً بر تحریم اقتصادی و دامن زدن به فضای جنگی، متکی است، به توهم "دمکراسی" سازی به مدل عراق، لیبی و سوریه، در جامعه دامن میزند. این افق بر نارضایتی مردم از جمهوری اسلامی و با اتکا به توهم "کنار گذاشتن" جمهوری اسلامی به کمک دولتهای غربی متکی است. این گرایش که در راس آن دولت آمریکا، ناتو و دول غربی قرار دارند، بورژوازی پروغرب و بخش اعظم اپوزیسیون بیرون حکومتی، چپ و راست، را همراه خود دارد. افق و گرایشی که اساساً بر به استیصال کشاندن مردم، طبقه کارگر و تمکین و رضایت آنها به هر "آلترناتیو" قومی، ملی و مذهبی، و هر سناریو سیاهی برای جایگزینی جمهوری اسلامی، سرمایه گذاری کرده است.

در مقابل تمام گرایشات فوق و افقهای تغییر آنها، افق سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی ایران است. این افق اساساً توسط طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه در مقابل جامعه قرار گرفته است. گرایشی که تلاش میکند که در شرایط حاضر، در مقابل سایر افق های "حفظ"، "اصلاح" و "رژیم چینج"، مقاومت کند و صف مستقل خود را شکل دهد. این گرایش که بیشترین صدمات را از به استیصال کشاندن مردم زیر فشار فقر و گرانی و بیکاری، میخورد، برای ایجاد بنیادی ترین تغییر از طریق سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به نیروی طبقه کارگر متشکل و آگاه، متکی است. سرنگونی که به سرعت شرایط را برای پیشروی یک انقلاب کارگری و برقراری سوسیالیسم، فراهم میکند. یکی از ملزومات پیروزی این گرایش و حاکم کردن افق خود، مبارزه بی امان علیه سایر افق های راست و ارتجاعی گرایشات دیگر است.

حزب حکمتیست، بعنوان یک نیروی متشکل و کمونیستی، بیشترین تلاش را برای تقویت گرایش و افق سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی ایران، در دستور دارد. حزب حکمتیست پیروزی سوسیالیسم و تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری را در گرو حاکم کردن افق سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی ایران میداند.

موقعیت طبقه کارگر و وظایف کمونیست ها

ارائه دهنده: بهرام مدرسی حمایت کنندگان: اعظم کم گویان، آرش حسینی

آنچه که ادامه حاکمیت سرمایه و دولت نماینده آن در ایران را تضمین میکند، پراکندگی، عدم آگاهی و غیرمتشکل بودن طبقه کارگر در ایران است. تلاش های جناح های مختلف بورژوازی در تحمیل طبقه ما برای تامین این امر است. مفهوم کار، زندگی، خوشبختی، رفاه، برابری، آزادی، دستمزد و مبارزه تماماً در کانتکست جدل ها و ضروریات وجودی بورژوازی معنی میشوند.

تحمیل یک زندگی فلاکتناز به طبقه کارگر و سرکوب کمونیست ها و فعالین کارگری در کنار تحرک جناحهای متفاوت طبقه حاکمه علیه یکدیگر و پشتیبانی از این تحرکات بعنوان اعتراض طبقه کارگر به رژیم اسلامی از طرف بخش وسیعی از نیروها و احزاب سیاسی که سابقاً خود را سوسیالیست و مدافع منافع طبقه کارگر معرفی میکردند، موقعیت متفاوتی را برای گرایش سوسیالیستی و کمونیستی درون طبقه کارگر و حزب ما ایجاد کرده است.

فراخوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به طبقه کارگر، اعضا و فعالین خود، به همه کمونیست ها و رهبران کارگری تلاش برای رفع موانع ذهنی و عملی تشکل و آگاهی طبقه بعنوان تنها طبقه نجات دهنده کل جامعه، مدعی قدرت و رهبر جامعه در مبارزه برای رهایی از شر حاکمیت بورژوازی و جمهوری اسلامی و برپا کردن جامعه ای سوسیالیستی در ایران است.

از آنجا که:

- بورژوازی در ایران برای تضمین و توسعه سود خود، طبقه کارگر را در مراکز صنعتی بزرگ متمرکزتر و آن را به قدرتمندترین دشمن طبقاتی خود تبدیل کرده است.

- قربانی اصلی تحریم های بخشی از بورژوازی جهانی علیه حکومت اسلامی طبقه کارگر است.

- بورژوازی حاکم در ایران برای عبور از بحران اقتصادی و تحریم های جهانی علیه خود با تحمیل فقر و فلاکت و بیکارسازی بیشتر طبقه کارگر و میلیون ها خانواده کارگری را در معرض نابودی قرار داده است.

- دولت و کارفرمایان برای جلوگیری از مبارزه متحد کارگران و تحمیل تفرقه میان طبقه کارگر در کنار دامن زدن به تفرقه های جنسی، مذهبی و قومی چنان شرایط استخدامی را به کارگران تحمیل کرده اند که آنها را به کارگران استخدام دولتی، قراردادهای موقت و سفید و پیمانی تقسیم میکند. شرایطی که حفظ و تامین شغل را به مشغله اصلی بسیاری از کارگران تبدیل کرده است.

- دولت به نمایندگی کل طبقه بورژوازی از طریق شبکه شوراها و انجمن های اسلامی و خانه کارگزار یکطرف و حمایت بخش وسیعی از نیروها و احزاب سیاسی که سابقاً خود را سوسیالیست و مدافع منافع طبقه کارگر معرفی میکردند از این یا آن جناح بورژوازی از طرف دیگر میکوشند تا شعارها و مطالبات و حرکات اعتراضی کارگری را که قابلیت بسیج سراسری را دارند، مسخ و مخدوش کنند و در چهارچوب قانونی و یا امید بستن به جناح های متفاوت بورژوازی دولتی و غیردولتی مهار زدن.

- عوامل فوق در کنار ضعف خودآگاهی طبقاتی کارگران و عدم انسجام سیاسی و حزبی رهبران عملی، فعالین کارگری و کارگران کمونیست حول یک پرچم کمونیستی، طبقه کارگر ایران را در موقعیت دفاعی سختی قرار داده است. موقعیتی که توان طبقه کارگر را برای تعرض طبقاتی متحدانه و همه جانبه به بورژوازی برای بهبود سطح معیشت خود و نجات خود و کل جامعه از نکبت سرمایه داری را بشدت تضعیف و محدود کرده است.

از اینرو:

- کنگره ششم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست توجه طبقه کارگر و بخصوص کارگران کمونیست را بر حساسیت شرایط امروز و لزوم تغییر توازن قوای کنونی به نفع مبارزه، اتحاد و تشکل طبقه کارگر، برای دفاع از زندگی خود و نجات کل جامعه از نکبت سرمایه داری و سرنگونی جمهوری اسلامی جلب میکند و همه کارگران کمونیست را به پیگیری اولویت های زیر فرا میخواند:

۱- اتحاد در مبارزات اقتصادی، دفاع از معیشت طبقه کارگر

مبارزه اقتصادی طبقه کارگر سنگ بنای اول آگاهی طبقه کارگر نسبت به خود بعنوان یک طبقه مجزا است. طبقه کارگر در جریان این مبارزه است که به موقعیت ممتاز خود در رابطه اش با سرمایه، جایگاهش در تقسیم کار اجتماعی و موقعیت ویژه خود در نظام سرمایه داری پی میبرد. نوع و شکل دخالت سیاسی و سازمانی طبقه کارگر در مبارزات اقتصادی تصویری از ساختار سیاسی و اجتماعی که این طبقه با سرنگونی بورژوازی متحقق میکند را به دست میدهد. قدم اول در شکل دادن به این آگاهی طبقاتی هماهنگی مبارزات جاری اقتصادی، شعارها و مطالبات آن و دفاع از سطح معیشت کل خانواده کارگری است.

۶- مبارزه علیه قراردادهای موقت کار

یکی از بزرگترین مصاف های امروز طبقه کارگر قراردادهای موقت و سفید هستند. مبارزه طبقه کارگر باید تبدیل این قراردادها

در باره "جنبش کمیته های کمونیستی"

پیشنهاد دهندگان: آذر مدرسی، ثریا شهابی، اسد گلچینی و خالد حاج محمدی

کنگره ششم حزب حکمتیست "جنبش کمیته های کمونیستی" را که چهارچوب و اصول و مبانی آن توسط رفیق کورش مدرسی در مبحث "تحزب کمونیستی طبقه کارگر" مدون شده است را به عنوان سیاست رسمی خود میپذیرد. حزب حکمتیست تلاش برای اتحاد آگاهانه و نقشه مند رهبران کمونیست طبقه کارگر در کمیته های کمونیستی و به عنوان ارتقا تحزب کمونیستی طبقه کارگر به سطحی متعالی تر را جزو اولویتهای خود میداند.

موقعیت طبقه کارگر و وظایف کمونیست ها

به قرارداد های دائمی و انعقاد قراردادهای دستجمعی از طریق تشکلهای کارگران باشد. طبقه کارگر به مبارزه ای همه جانبه و گسترده و با بسیج همه توان خود و حمایت همه مزدبگیران جامعه، کارگران شاغل و بیکار و کارگران افغانی بر علیه این شرایط بردگی نیاز دارد.

۱- مطالبات فوری

افزایش دستمزد ها، آزادی تشکل و اعتصاب، ممنوعیت قرارداد های موقت، تعطیلی اول ماه مه، بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار زن و مرد بالای ۱۶ سال و حقوق برابر زن و مرد از جمله فوری ترین مطالبات ما هستند.

۲- تبلیغ و سازماندهی جنبش مجامع عمومی

مجامع عمومی بر رای مستقیم کارگری تکیه دارند، از آنجا که این مجامع محتاج اجازه دولت برای تشکیل خود نیستند، از آنجا که این مجامع کل کارگران را و نه فقط نمایندگان آن ها را در مقابل دولت و کارفرمایان قرار میدهد و از آنجا که این مجامع به صنف ها و رشته های مختلف تولیدی محدود نمیشوند، امکان تشکل وسیعتر و پایداری را به طبقه کارگر در مبارزه خود علیه بورژوازی و دولت میدهد. مجامع عمومی میتوانند امر اتحاد و همبستگی مبارزات کارگری را عملی سازند. با تشکیل مجامع عمومی در هر فابریک و مرکز تولیدی، کارگران قادر به تصمیم جمعی برای سازماندهی هر نوع اعتراض خود هستند. مجامع عمومی سنگری میشوند که در آن کارگران در هر شکل و بهر مناسبتی قادر به فراخوان آن هستند، معضلات پلیسی را میتواند دور بزند و نیروی کارگران را از طریق انتقال تجربه و رابطه فعالین و رهبران در ارتباط با هم نگاه دارد. این فعالیتی مورد نیاز برای کارگران و لازم هر نوع فعالیت متشکل و سازمانیافته است.

۳- تشکل های توده ای

ما همه کمونیستها و رهبران کارگری را فرا میخوانیم که برای ایجاد سازمانهای توده ای علنی در محل کار و زندگی خود مبارزه کنند. هر نوع سندیکا، اتحادیه، صندوق کارگری و انجمن هایی که کارگران انرا بنا میکنند، تشکلهای کارگری هستند که با همه وجود باید از آنها دفاع کرد.

۴- دفاع از تشکل های موجود

حکومت اسلامی در مقابله با مبارزه متشکل طبقه کارگر، تشکل های موجود کارگری و رهبران آنها را مورد حمله وحشیانه خود قرار داده است. دفاع سازمانیافته طبقه کارگر از تشکل های موجود و رهبران و فعالین آن ها، مبارزه برای آزادی فوری و بی قید و شرط رهبران کارگری و آزادی تشکل و اعتصاب امر فوری و فوری کنونی طبقه کارگر و رهبران عملی و کارگران کمونیست است.

۵- افشای گرایشات بورژوایی

جنبش کارگری تاریخی شاهد وجود گرایشات بورژوایی- رفرمیستی در صفوف خود بوده است. این احزاب و گرایشات سیاسی نمایندگان خود را در جنبش اعتراضی طبقه کارگر دارند. شاخه های مختلف کمونیسم بورژوایی در ایران که اساسا دنباله رو جنبش های سازمانیافته بورژوایی هستند از این جمله اند. این گرایشات در تلاشند تا نیروی مبارزه طبقه کارگر را برای تقویت آلترناتوهای بورژوایی حکومتی و یا خارج حکومت بسیج کنند. افشای این گرایشات قدم مهمی در کسب آگاهی طبقاتی کارگران است. طبقه کارگر باید صف آگاه خود را در تمایز با این جنبش ها شکل دهد.

۹- کمیته های کمونیستی

کمیته های کمونیستی متشکل از فعالین کمونیست و سوسیالیست طبقه ما در محل کار و زیست است. این کمیته ها مستقل اند و تعهدی به هیچ حزب، تشکل، سازمان یا نهادی ندارند. کمیته های کمونیستی تنها به فعالیت کمونیستی خود در محل و نمایندگی و متشکل کردن هم طبقه ای های خود متعهد هستند. قبول یا عدم قبول این یا آن سیاست میتواند تنها در پرتو نمایندگی شدن اهداف طبقه ما معنی پیدا کند. کمیته های کمونیستی تضمین میکنند که منافع کوتاه و طولانی مدت طبقه کارگر در محل نمایندگی بشوند. ابزارها و چگونگی کارشان را خود تعیین میکنند. معیار برای این کمیته ها نمایندگی کردن منافع متفاوت طبقه کارگر است. وجود کمیته های کمونیستی متعدد در مراکز مهم صنعتی و محلات کارگری آن استخوان بندی طبقاتی است که تحزب کمونیستی و تحرک اجتماعی و هماهنگی فعالیت کارگری را تضمین میکند

اوضاع سیاسی ایران، 'رئوس یک سیاست کمونیستی - کارگری'

قابل توجه: این قطعه‌نامه احتیاج به حداقل دو حمایت کننده دارد، در صورت حمایت لطفاً حداقل تا ۱۲ اکتبر اطلاع دهید.

پیشنهادی به کنگره ۶ حزب حکمتیست

مظفر محمدی

مقدمه:

مهمترین معضل جنبش و تحزب کمونیستی طبقه کارگر در ایران، پراکندگی صفوف کارگران است. بدون رفع این مانع و دستیابی به خودآگاهی طبقاتی، سازمان دادن انقلاب پرولتری و بنای جامعه سوسیالیستی ممکن نیست. فائق آمدن بر این مانع تنها یک امر آگاهگرانه نیست، مهمتر از آن یک امر مبارزاتی است. سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط انقلاب سوسیالیستی است. طبقه کارگر و کمونیسم اش باید نیروی محرکه سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی باشد به نوعی که بیشترین امکان برای انقلاب سوسیالیستی تضمین گردد. کمونیست ها برای یک انقلاب بیوقفه تلاش می کنند.

کمپ بورژوازی در قدرت و بحران

جمهوری اسلامی با بحران متولد شده است. بحران اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، اختلافات جناحی، تهدیدات و فشارهای بین المللی و غیره از جمله آنها است. ماهیت بحران ها و به تبع آن جدال های صفوف بورژوازی حاکم و اپوزیسیون، هم ریشه در بحران های پایه ای جمهوری اسلامی داشته و هم خصوصیت هر دوره جدید را با خود دارند.

در یک دهه اخیر و بویژه در شرایط کنونی، یکی از مهمترین معضلات جمهوری اسلامی و محور اصلی تقابل ها و کشمکشهای درون و بیرون بورژوازی حاکم، بر سر چگونگی تامین و تضمین سودآوری هرچه بیشتر و انباشت سرمایه و رشد و انکشاف آن بوده است. و این جز با استبداد و سرکوب عریان از طرفی و تامین کار ارزان و تحمیل یک قانون کار ضد کارگری تامین نشده است.

جمهوری اسلامی بویژه در دو دهه اخیر موانع جدی بر سر راه رشد و توسعه سرمایه داری و تضمین سود آوری کلان را از طریق رابطه اش با قطب های جدید سرمایه جهانی، خصوصی سازی ها، حذف یارانه ها، حذف کنترل دولتی و آزاد سازی قیمت ها و اخیراً اصلاح قانون کار به نفع بورژوازی و تضمین پایه ای سطح نازل دستمزد طبقه کارگر برداشته است.

این وضعیت، هم تقابل جمهوری اسلامی با طبقه کارگر صنعتی، لشکر بیکاران، حقوق بگیران جزأ و توده های زحمتکش و کم در آمد را توضیح می دهد و هم رابطه جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران با بورژوازی بین المللی و حکامشان را. دولت بورژوایی حاکم در ایران پس از سه دهه سازماندهی و مدیریت جامعه، سازماندهی اقتصاد و سیاست و سازماندهی جنگ و سرکوب، تضمین سودآوری بالا و انباشت سرمایه، به دولت نماینده منافع اقتصادی و سیاسی بخش اعظم بورژوازی ایران تبدیل شده است.

این در شرایطی است که روبنای سیاسی- فرهنگی جمهوری اسلامی هنوز به عنوان مانع سرازیر شدن سرمایه جهانی به ایران و ادغام بیشتر در بازار آزاد جهانی عمل کرده است. جدال بر سر منطبق کردن روبنای سیاسی جمهوری اسلامی، زدودن اسلامیت آن، جدالی است برای جواب دادن به این نیاز پایه ای تر بورژوازی ایران.

علاوه بر آن، بحران اقتصادی جهانی، محاصره اقتصادی، عدم دسترسی کامل به فناوری، مقاومت بخشی از بورژوازی که در عین حال غول های اقتصادی هم هستند به مثابه روبنای سیاسی قدرت دولتی و... نیز همراه با ناامنی کل خاورمیانه از موانع رشد بیشتر سرمایه داری ایران و ادغام کامل آن در بازار جهانی است.

از نگاه طبقه کارگر و در رابطه با بحرانهای اقتصادی و سیاسی و حکومتی جمهوری اسلامی، عواقب و نتایج این کشمکش ها هر چه باشد، یک واقعیت غیرقابل انکار وجود دارد که،

اولاً مسیری را که بورژوازی ایران در جهت رفع موانع رشد بیشتر سرمایه داری و انباشت آن در پیش گرفته و مطلوب او است، ادامه می دهد. هر جریان و طیفی که با این روند به مخالفت پردازد، در خانواده بورژوازی جای مقبولی نخواهد داشت.

دوما هیچ جناحی در جمهوری اسلامی اختلاف درونی و تخاصم با دول غربی فعلاً تا حد تضعیف کامل نظام و خطر فروپاشی و یا سقوط جمهوری اسلامی پیش نخواهد برد. بخشهای مختلف بورژوازی اگر بر سر تقسیم قدرت با هم جدال داشته باشند در حفظ نظام جمهوری اسلامی و ضدیت با مردم و طبقه کارگر اتحادی نامقدس دارند.

طبقه کارگر ضمن اینکه با چشمان باز به این تحولات می نگرد، از هر فرصتی در نتیجه تضعیف دولت سرمایه داران برای تغییر توازن قوا به نفع خود استفاده می کند.

از زاویه مبارزه طبقاتی و رابطه کار و سرمایه و انباشت و سودآوری آن، محور جدال های اجتماعی امروز در ایران، مبارزه دو طبقه اصلی جامعه (پرولتاریا و بورژوازی) است. این مبنای دعوای میان جناح های بورژوازی، نگاهشان به سیاست و روبنا و نیازشان به سرکوب و رقابتشان بر سر تقسیم قدرت و ثروت است.

طبقه کارگر قدرتمند تر

رشد و گسترش سرمایه داری ایران، همزمان طبقه کارگر وسیع تر، متمرکزتر و قدرتمند تری را بویژه در مراکز بزرگ صنعتی بوجود آورده است. طبقه ای که در مقابل کار ارزان و سودآوری سرمایه از قبل خون و عرق خود، ساکت ننشسته و مقاومت کرده است. اعتراضات و اعتصابات مکرر کارگری، تلاشهای جدی فعالین طبقه کارگر برای متحد و متشکل کردن کارگران، دخالت فعالین کارگری در تحولات سیاسی و اعلام مواضع کارگری، حفظ استقلال طبقه کارگر در مقابل جنبشهای بورژوایی و قومی و ناسیونالیستی، ولو با بی اعتنائی به این جنبشها... همگی نشان از درجه ای خودآگاهی طبقاتی در صفوف فعالین و رهبران و شبکه های محافل کارگری است. کارگران رادیکال و کمونیست در راس این جنبش طبقاتی قرار دارند.

در نتیجه این توازن قوای طبقاتی، بورژوازی حاکم و جناح هایش در مقابل خطر جنبش عظیم طبقه کارگر علیه کار ارزان و بی حقوقی و استثمار شدید، محافظه کار و دست به عصا تر و به نسبت انقلاب ۵۷ بالغ تر و هشیارتر است. توازن قوای کنونی بین بورژوازی حاکم و طبقه کارگر، توان و

وضع سیاسی ایران، "رئوس یک سیاست کمونیستی - کارگری"

قدرت سرکوب عربان مبارزات کارگری توسط بورژوازی را تضعیف کرده است. به رسمیت شناختن این توازن قوا و استفاده از فرصت های آن برای فعالین و رهبران کارگری بسیار حیاتی است.

از فاکتورهای دیگر موثر در وضعیت طبقه کارگر، تحولات خاورمیانه و نقش طبقه کارگر در این تحولات و تلاش ارتجاع محلی و بین المللی در سترون کردن این انقلابات است. به قدرت رسیدن ارتجاع اسلامی در مصر و تونس و لیبی نشان داد که کارگران کمونیست به شرط جمع بندی واقعی از این اوضاع، می توانند از خوشبینی و امیدواری که در نتیجه این تحولات بوجود آمده و همراه با کشمکشهای جناحهای جمهوری اسلامی، به عنوان فرجه ای برای متحد کردن طبقه کارگر و آمادگی آن استفاده کنند. تجارب تا کنونی این تحولات نشان داده است که در غیاب آمادگی طبقه کارگر و صف مستحکمی از رهبران و آژینتاتورهای کمونیست و در غیاب تحزب کمونیستی طبقه، هر تحولی می تواند به ضرر و یا کم ترین نقش و تاثیر و سهم طبقه کارگر در کسب قدرت سیاسی تمام شده و تعیین تکلیف گردد.

عامل اصلی تداوم حیات جمهوری اسلامی و حاکمیت بورژوازی در ایران، پراکندگی و عدم آگاهی صفوف طبقه کارگر است. نهایتا سرنوشت جدالهای طبقاتی به نفع طبقه کارگر و کل جامعه را، خاتمه دادن به این پراکندگی و درجه بالاتری از آگاهی و اتحاد و تشکل کارگری و بویژه تحزب کمونیستی طبقه کارگر تعیین می کند.

اپوزیسیون بورژوایی

با عروج جنبش سبز، جریانات ملی- مذهبی، لیبرال های ناراضی درون و بیرون حکومت، ناسیونالیسم راست پرو غرب تا فدرالیستهای قومی زیر پرچم جنبش سبز موسوی متحد شدند. نه تنها جریانات بورژوایی اپوزیسیون، بلکه جنبشهای اجتماعی متوهم به اصلاحات از جمله جنبش علیه تبعیض جنسی و دخالت مذهب در زندگی مردم، جنبش خلاصی فرهنگی جوانان و غیره در جامعه بدنبال حمله به کمونیستها در دانشگاه و عقب راندن فضای انقلابی، با عروج جنبش سبز در آن ادغام و با امید بهبودی در معیشت و گشایشی سیاسی سرباز این جنبش شدند. زخمی و کشته دادند و نهایتا در عمل و تجربه دیگر خود به پوچی آن پی بردند و تاوانش را هم پرداختند. این توهم، به این اعتبار، برای حکومت اسلامی سرمایه در ایران وقت خرید.

با شکست جنبش سبز اگر چه تجربه دیگری به تجارب کارگران و مردم از طرفی و اپوزیسیون چپ و راست افزوده شده است، اما به دلایل زیادی هنوز جامعه در مقابل تداوم و تکرار چنین تحولاتی قرنطینه نیست.

هنوز اپوزیسیون بورژوایی و خرده بورژوایی از چپ و راست، پوپولیستها، لیبرال ها و ملیون و مذهبیون بیرون و درون حاکمیت جمهوری اسلامی ظرفیت تغییر و تحول در جمهوری اسلامی و اصلاح از بالا و از درون آن را توقع دارند و انتظار می کشند. هنوز قرار گرفتنتشان در کنار این و آن جناح جمهوری اسلامی و کشاندن بخشی از مردم پشت آنان منتفی نیست.

در رابطه با تلاشهای بورژوازی بین المللی و در راس آن دولت آمریکا برای فشار بر ایران، از جمله تشدید محاصره اقتصادی به بهانه های مختلف و تهدیدات نظامی، جریانات اصلی جامعه ایران، ناسیونالیسم بورژوایی و طبقه کارگر به عنوان دو جریان و نیروی اصلی جامعه، در مقابل این تمهیدات قرار دارند. قوم پرستان و دیگر جریانات خرد و ریز بورژوایی از چپ و راست که منتظر دخالت نظامی آمریکا و بخشی از اپوزیسیون راست و چپ که مشکلی با تشدید تحریم اقتصادی ندارند، در این رابطه، نیروی قابل اعتنایی نیستند. با وجود این، پتانسیل سناریوی سیاهپوشان را نباید دستکم گرفت، و این با قدرت اجتماعی که فاقد آن هستند، متفاوت است.

نهایتا دول غربی و آمریکا خواستار سرنوشتی جمهوری اسلامی نیستند. سیاست آلترناتیو سازی این دولت ها و به بازی گرفتن اپوزیسیون بورژوایی، صرفا عامل فشاری بیش نیست.

اپوزیسیون بورژوایی هم که از انقلاب کارگران و مردم بیشتر از جمهوری اسلامی هراس دارند، بهیچوجه خواستار سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی نیستند. سرنوشت این اپوزیسیون و هویتش را بازی در شکاف تخاصمات قدرتهای خارجی با جمهوری اسلامی از طرفی و یا در جدال جناح های درون خود جمهوری اسلامی است.

کمونیست ها و طبقه کارگر، باید با چشمان باز به این تحولات نگرسته و پروپاگاند جنگی امپریالیست ها و سیاست انتظار ناشی از آن و استفاده جمهوری اسلامی از این موقعیت به نفع خود را افشا و خنثی کنند.

کمونیسم بورژوایی

علاوه بر لشکر اپوزیسیون راست، در جبهه چپ بورژوازی نیز کمونیسم بورژوایی قرار دارد که پشت جنبش ارتجاعی جناحی از بورژوازی، صف آرایی کرد و تحركات اخیر را انقلاب نام نهادند. تلاش کردند تا مردم را بفریبند که گویا این تحركات تحت رهبری جنبش سبز نیست و انقلاب مردم است. به مردم چنین القا کردند که اعتراض و مبارزه مردم و خواستهایشان ربطی به جنبش سبز و انتخابات ندارد. و بدتر و شورتر این که رهبری ارتجاعی سبز را برسمیت شناختند و به آن آتش بس داده و سیاهی لشکرش شدند. بخشی از همین چپ در این زمین مانور کردند و زیگزاگ رفتند و گفتند اعتراضات در آغاز تحت رهبری جنبش سبز و برای خواستهای آن بوده اما بعد راه خود را جدا کرده است و سیاست حمایت و انتظارشان را توجیه کردند.

جریاناتی که از چپ و راست به جامعه القا می کنند که هر تحرکی به هر بهانه ای و با هر رهبری و شعاری برای سرنوشتی جمهوری اسلامی است، یا از بحرانهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی سرنوشتی خودبخودی آن را نتیجه می گیرند و وعده خیزش توده ها را می دهند، در حقیقت خاک به چشم جامعه می پاشند و آن را در انتظار نگه می دارند. تبلیغ و تهییج برای کشاندن طبقه کارگر بدون سازمان و آمادگی، بدون رهبری و افق روشن و پرچم سیاسی کارگری، به خیابان، تبدیل کردن نیروی پراکنده کارگران به سرباز جنبشهای بورژوائی است. کاری که به نام "انقلاب در راه است"، سرنوشتی به زودی اتفاق می افتد، از چپ و راست به جامعه القا میشود. این سیاستی ضد کارگری و ضد کمونیستی است.

این تحركات در حقیقت ضربه بزرگی به جنبش اعتراضی مردم برای سرنوشتی و اعتراضات و مبارزات رادیکال مردم برای آزادی و برابری زد که جامعه ما تنها گوشه ای از آن را در جنبش آزادی برابری در دانشگاه ها و "داب"، شاهد بود. این تحركات و صف بندیهای مردم و اپوزیسیون پشت آن، جمهوری اسلامی را از زیر ضرب مبارزات مردم خارج کرده و تطهیر نمود. مشروعیت جناحی از جمهوری اسلامی را تایید کرد. این در حقیقت و عمل، تقابلی بورژوایی است با اعتراضات و مبارزات رادیکال کارگری برای بهبودی در شرایط کار و زندگی و جنبش برابری زن و مرد

اوضاع سیاسی ایران، "رئوس یک سیاست کمونیستی - کارگری"

و مبارزات جوانان برای خاتمه دادن به دخالت مذهب در زندگی خود و جامعه و خلاصی فرهنگی...

چشم انداز مبارزه طبقاتی

جامعه ایران یکی از دوره های حساس مقاطع تاریخ اخیر خود را می گذراند. از طرفی چند سال پیش جامعه شاهد شکست و تسلیم سیاسی و ایدئولوژیک ناسیونالیسم عظیمت طلب پرو غرب در هیبت رضا پهلوی و همراهان جنبشی آن، در مقابل سیاست عملی جمهوری اسلامی به سرکردگی بخش اصلی آن در هیبت احمدی نژاد (و توافقات آن با خامنه ای) بود که بخش زیادی از افکار، انتظارات، امیدها و توقعات اپوزیسیون سیاسی این بورژوازی را در مقابل جمهوری اسلامی رقم می زد. فراتر از این شکست این جنبش اساسا و ناکارآمدی جنبش اصلاحات، قطع امید مردم از سبز، استیصال و ناکارآمدی و شکست و حاشیه ای شدن جنبش اصلاحات نه فقط در اعتراض مردم بلکه در جدالهای بورژوازی در ایران، جامعه را در مقابل انتخاب های دیگری قرار داده است. الترنتیو کارگری و کمونیستی علیه کلیت بورژوازی چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون و علیه راه حل های گوناگونی که این کمپ در هر دوره پیش روی جامعه می گذارد، یک سد و یک شانس پیشروی و پیروزی طبقه کارگر و اکثریت زحمتکشان جامعه در مقابل استثمار و استبداد و تبعیض و برای تحقق آزادی و برابری است.

چشم اندازی که امروز در مقابل طبقه کارگر وجود دارد، عروج یک مبارزه طبقاتی بلاواسطه علیه جمهوری اسلامی و سیاستهای اقتصادی و سرکوبگریهای سیاسی است. چشم اندازی که در آن طبقه کارگر به مثابه طبقه و بدو در یک مبارزه سراسری و سازمانیافته اقتصادی برای به عقب نشاندن تعرضات سرمایه داران به سطح معیشت کارگران به میدان می آید. اما این چشم اندازی محتوم نیست. این واقعیت را نباید نادیده گرفت که در غیاب کمونیسم و تحزب کمونیستی، احتمال تسلیم شدن طبقه کارگر به مجادلات درونی بورژوازی وجود دارد. این خطری است که همیشه طبقه کارگر و کمونیسم را تهدید می کند.

تلاشهایی که هم اکنون در صفوف طبقه کارگر در جنبش مجامع عمومی و برای ایجاد سندیکاها مستقل کارگری در جریان است و تا آنجا هم که به چنین تشکلاتی دست یافته است، طلیعه و نمونه هایی از حضور طبقه کارگر و اهمیت این حضور در شکل دادن به طبقه کارگر به مثابه طبقه متحد و متشکل است. جنبش طبقاتی کارگران علیه بورژوازی در کلیت آن و با همه جناح هایش اگر به کمونیسم مسلح شود، اگر تحزب کمونیستی طبقه کارگر و جنبش کمیته های کمونیستی عروج کند، ما شاهد دور جدید و افق جدیدی کاملا متفاوت با دوره های قبل خواهیم بود. این آن چشم اندازی است که در مقابل طبقه کارگر و کل جامعه قرار دارد که در صورت تحقق آن، با اتکا به طبقه کارگر متشکل و قدرتمند، جنبشهای اجتماعی دیگر، جنبش برابری زن و مرد و خلاصی فرهنگی جوانان، شانس عروج و کسب دستاورد و پیروزیهایی را پیدا خواهند کرد.

در شرایط بحران اقتصادی کنونی و خطر فلاکت با هر درجه اتحاد و دخالت از پایین کارگران و مردم، باید جلو تعرض سرمایه داران و دولت به زندگی و سفره مردم، سدی بست.

با برگزاری مجامع عمومی کارگری و اتحاد کارگری علیه بیکاری افزایش دستمزدها به تناسب تورم و بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران را میتوان و باید در دستور مبارزه ای بی امان و میلیونی طبقه کارگر اعم از شاغل و بیکار قرار داد.

دولت و بورژوازی با دامن زدن به تورم و گرانی و گرسنگی دادن مردم، جامعه را به طرف سقوط ارزشهای انسانی و مرگ و میر در نتیجه این شرایط سوق میدهد.

برای دفاع از سلامت جامعه و جلوگیری از خطر فلاکت و گرسنگی باید مردم مستقیما و با ابتکارات توده ای به میدان بیایند.

در رابطه با اوضاع سیاسی و مبارزه طبقاتی در ایران نکات زیر، رئوس یک سیاست کمونیستی را تشکیل می دهند:

- جدال کنونی جامعه، جدال طبقه کارگر و جنبش کمونیستی طبقه کارگر در ایران، در مقابل کل جبهه بورژوازی از راست تا چپ آن است. تعیین تکلیف نهانی جامعه بر سر آزادی و برابری، تعیین تکلیف میان طبقه کارگر و بورژوازی برای کسب قدرت سیاسی است. این از مهمترین مصاف های سیاسی جنبش کمونیستی کارگری در دور آتی است.

- کسب قدرت سیاسی بدون ایفای نقش حزب طبقه کارگر، در پر کردن شکاف میان کمونیسم و جنبش کارگری، بدون شکل دادن به تحزب کمونیستی در میان طبقه کارگر، و بدون ایفای نقش جدی طبقه در جدال جامعه با جمهوری اسلامی بر سر خلاصی فرهنگی، آزادیهای سیاسی، جنبش دفاع از حقوق زن و تبدیل پرچم سیاسی طبقه کارگر علیه بورژوازی به پرچم اعتراض مردم، ممکن نیست!

- طبقه کارگر و جنبش کمونیستی ایران زیر فشار دائم داده ها، سنت ها و توهمات بورژوازی قرار دارد. ایجاد صف طبقاتی کارگری و کمونیستی، نیازمند مبارزه دائم با این داده ها، باورها، توهمات و توجیهات تئوریک متناظر با آن ها و یک فعالیت مبارزاتی و در نقد گرایش های بورژوازی است. طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه بیش از هر جا در متن مبارزه اقتصادی و سیاسی است که میتوانند خود و جریانات بورژوازی را بشناسند. طلیعه این چشم انداز را در گسترش مبارزات اقتصادی سازمانیافته طبقه کارگر، اعتصابات پیروزمند کارگری، اعلام سیاست های کارگری در قبال تحولات سیاسی و... می بینیم. ارتقای این تلاشها به خودآگاهی بخش وسیع تر پرولتاریای صنعتی و تحزب کمونیستی بر محور کمیته های کمونیستی کارگران، در دل این شرایط، از وظایف مهم جنبش کمونیستی کارگری است.

- سرنگونی فوری کلیت جمهوری اسلامی پیش شرط هر تحول جدی در زندگی مردم است، باید با هر تلاش نیروهای درون و بیرون حکومت و تقلای همه جریانات بورژوازی برای جرح و تعدیل این حکومت ضد مردمی و تحمیل آن در بسته بندی جدید به مردم مقابله کرد.

قرار شماره ۶ در مورد

تأیید کنگره فوق العاد، کنگره پنجم حزب حکمتیست

پیشنهاد دهندگان : لادن داور، سهند حسینی، آرش حسینی، آسو فتوحی

معرف: آسو فتوحی

در دوره بحران در حزب حکمتیست که سرانجام بخشی از اعضا رهبری و کادرها و اعضا حزب، خط و سیاست دیگری را دنبال کردند و عملاً از حزب حکمتیست خارج شدند، رهبری قانونی حزب برای جوابگویی به وضع تحمیل شده و خارج کردن حزب از بحران فوق، کنگره فوق العاده را به عنوان راه حل فوری و اصولی با فراخواندن نمایندگان کنگره چهارم اعلام کرد. کنگره ششم حزب حکمتیست این اقدام رهبری وقت حزب را تأیید و در آن شرایط ویژه مناسبترین و سالمترین راه برای خروج از وضع نابسامان تحمیل شده میداند. کنگره ششم حزب همچنین مصوبات کنگره فوق را به عنوان مصوبات رسمی حزب میپذیرد.

قرار شماره ۷ در مورد

ایجاد کمیته مالی در حزب

پیشنهاد دهندگان : آسو فتوحی، آرش حسینی، پیمان حسینی، رعنا کریمزاده

ارائه دهنده بحث : آسو فتوحی

قرار ایجاد کمیته مالی در حزب حکمتیست، به نوع سبک کاری متفاوتی در زمینه مالی می پردازد تا که بتوانیم تسریع پیشروی در امر مبارزاتی مان را مستحکم تر کنیم.

کمیته مالی متشکل از 3 تا 5 نفر است که به شکل متمرکز بر اوضاع مالی و بویژه طرح های درآمدی حزب فکوس می کنند.

کمیته مالی در صورت موفقیت به ایجاد طرح درآمدی برای حزب، متضمن ادامه کاری آن گردد.

طرحهای درآمدی با توجه و بررسی این کمیته می توانند ثابت یا متغیر باشند و در برابر آلترناتیو قرار گیرند.

طرحها و پروژه های مالی باید به اسم شخص حقوقی یعنی حزب باشند.

رسیدگی و پیگیری اسپانسر ها برای حزب در حیطه مسئولیت این کمیته قرار گیرد.

درآمدهای حاصله از پروژه های مربوط به این کمیته باید مستقیماً به خزانه داری حزب واریز گردد.

رسیدگی به جمع آوری کمکهای مالی در محل جزو مسئولیت های این کمیته قرار گیرد.

ایجاد صندوق کارگری باید در دستور کار این کمیته قرار گیرد و موجودی آن با جمع آوری کمکهای ویژه و مختص به این مورد تقویت شود.

لطفا اسناد پیشنهادی و مطالب خود را به آدرس زیر بفرستید:

hekmatistcong6@gmail.com

فرم الف

ویژه ثبت نام نمایندگان کنگره ششم حزب حکمتیست

لطفاً به تمام سؤالات جواب دهید و فرم کامل را به این آدرس بفرستید

ladann@netcologne.de

نام:

نام خانوادگی:

حوزه انتخاباتی:

ای میل:

تلفن:

چه شب هائی خوابگاه می‌خواهید؟

جمعه شب

شنبه شب

هزینه را در محل پرداخت می‌کنید یا از طریق بانک؟

آیا برگ تسویه حساب حق عضویت را دریافت کرده اید؟

روز و ساعت ورود:

روز برگشت:

چنانچه همان روز اتمام کنگره به کشوری یا شهری که از آنجا آمده اید بر نمی‌گردید و یا محلی برای اسکان تهیه نکرده اید و می‌خواهید که ما برای اسکان شما کمک کنیم لطفاً داخل پرانتز علامت x بزنید ()

چنانچه غذای گیاهی می‌خورید لطفاً داخل پرانتز علامت x بزنید ()

فرم ب

ویژه ثبت نام میهمانان کنگره ششم حزب حکمتیست

لطفاً به تمام سؤالات جواب دهید و فرم کامل را به این آدرس بفرستید

ladann@netcologne.de

نام:

نام خانوادگی:

کشوری که از آنجا عازم کنگره هستید :

ای میل

تلفن

چه شب هائی خوابگاه می‌خواهید؟

جمعه شب

شنبه شب

هزینه را در محل پرداخت می‌کنید یا از طریق بانک؟

روز و ساعت ورود:

روز برگشت:

چنانچه همان روز اتمام کنگره به کشوری یا شهری که از آنجا آمده اید بر نمی‌گردید و یا محلی برای اسکان تهیه نکرده اید و می‌خواهید که ما برای اسکان شما کمک کنیم لطفاً داخل پرانتز علامت x بزنید ()

چنانچه غذای گیاهی می‌خورید لطفاً داخل پرانتز را علامت x بزنید ()